"بسم الله الرحمن الرحیم"

موضوع کنفرانس: ابلاغ آیه برائت

ارائه دهنده: بانو فرشته زمینیم

تاریخ: ۱۴۰۱/۰۱/۲۰



بسم الله الرحمن الرحیم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّکِینَ بِوِلاَیَةِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْأَئِمَّةِ المعصومین عَلَیْهِمُ السَّلاَمُ

عرض سلام و ادب و احترام خدمت اعضای گرامی مجموعه مذهبی آوردگاه اندیشه ها

در این کنفرانس قصد داریم به نشر و اثبات یکی از هزاران فضائل حضرت امیرالمومنین علی بن ابی طالب بپردازیم

پیامبر برای خواندن سوره برائت،ابوبکر را به مکه فرستاد.به نیمه های راه که رسید جبرئیل نازل شد و به پیامبر دستور داد یا خودت یا کسی ☜همانند خودت☞ این سوره را بخواند.

پس از این ماجرا حضرت امیر (ع) مأمور به دریافت آیات از ابوبکر و ابلاغ آیات توسط خویش شد.

ابوبکر بشدت ناراحت و علت را از پیامبر جویا شد بعد از شنیدن واقعیت از زبان پیامبر ص(خداوند دستور داد این ماموریت یا خود یا شخصی همانند خودت).

لذا ثابت می شود ابوبکر دارای چنین ویژگی نبوده او حتی شایستگی خواندن چند سوره قران و رساندن پیام خدا و رسولش را به مشرکان نداشته چه رسد به خلافت و جانشینی اخرین پیامبر خدا!.

ما در این کنفرانس قصد داریم مستندات و روایاتی در این باره ارائه کنیم ☟

روایت اول:

حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، حَدَّثَنَا وَكِيعٌ، حَدَّثَنَا إِسْرَائِيلُ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، عَنْ زَيْدِ بْنِ يُثَيْعٍ، عَنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعَثَهُ بِبَرَاءَةَ إِلَى أَهْلِ مَكَّةَ: ☜لا يَحُجَّ بَعْدَ الْعَامِ مُشْرِكٌ، وَلَا يَطُوفَنَّ بِالْبَيْتِ عُرْيَانٌ، وَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا نَفْسٌ مُسْلِمَةٌ، وَمَنْ كَانَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُدَّةٌ فَأَجَلُهُ إِلَى مُدَّتِهِ، وَاللَّهُ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ. قَالَ: فَسَارَ بِهَا ثَلَاثًا، ثُمَّ قَالَ لِعَلِيٍّ: الْحَقْهُ، ☜فرُدَّ عَلَيَّ أَبَا بَكْرٍ وَبَلِّغْهَا. قَالَ: فَفَعَلَ. قَالَ: فَلَمَّا قَدِمَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَبُو بَكْرٍ بَكَى، وَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَحَدَثَ فِيَّ شَيْءٌ؟ قَالَ. ثُمَّ قَالَ: " مَا حَدَثَ فِيكَ إِلَّا خَيْرٌ، إِلَّا أَنِّي أُمِرْتُ بِذَلِكَ: أَنْ لَا يُبَلِّغَ إِلَّا أَنَا أَوْ رَجُلٌ مِنِّي

✅رجاله ثقات

ابوبکر می گوید که رسول الله (ص) او را به منظور خواندن آیات برائت به مکه فرستاد و در ضمن یک توقیع فرموده بودند که در مکه اعلام کند:

از این تاریخ به بعد، مشرکان حق ندارند به حج بروند؛ نباید با بدن برهنه به طواف خانه خدا بپردازند؛ جز مسلمان کس دیگري به بهشت نمی رود؛ هر کس با رسول خدا (ص) تعهدی دارد، تعهد او تا پیش از سرآمد مدت قابل قبول است؛ و خدا و رسول از مردم مشرك بیزارند!

ابوبکر، بیش از سه منزل از مدینه دور نشده بود که رسول خدا (ص) به علی (ع) دستور داد که ☜خودت را به ابوبکر برسان، آیات برائت را از او بگیر و خود او را برگردان و خودت آنها را به مردم مکه ابلاغ کن.

علی (ع) با شتاب از مدینه بیرون آمد و همانطور که پیامبر دستور داده بود مأموریت را انجام داد. وقتي ابوبکر حضور رسول خدا (ص) رسید، گریست و گفت: یا رسول الله! آیا درباره من مسأله اي رخ داده است؟ حضرت فرمود: جز خیر چیز دیگري درباره ات رخ نداده است؛ ولی به من دستور داده شده که آیات برائت را یا خودم بر مردم مکه بخوانم و یا مردی که از خود من است.

نام کتاب : مسند أبي يعلى الموصلي نويسنده : أبو يعلى الموصلي   جلد : ۱ صفحه : ۱۰۰

روايت دوم:

۲۲۰۹ - وَحَدَّثَنَا عَلِيٌّ، نا عَفَّانُ، نا حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ، عَنْ سِمَاكٍ، عَنْ أَنَسٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعَثَ بِبَرَاءَةَ مَعَ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ إِلَى أَهْلِ مَكَّةَ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: رُدُّوهُ. فَرَدُّوهُ، فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ , مَا لِي أَأُنْزِلَ فِيَّ شَيْءٌ؟ قَالَ: لَا، وَلَكِنِّي أُمِرْتُ أَنْ لَا يَبْلُغَهَا إِلَّا أَنَا أَوْ رَجُلٌ مِنِّي , فَدَفَعَهَا إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

از أنس بن مالک روايت شده است که رسول خدا (ص) ابوبکر را براي خواندن سوره برائت به سوی اهل مکه فرستاد، سپس رسول خدا به او گفت: آن را برگردان، ابوبکر نیز برگرداند، ابوبکر گفت: چه اتفاقی برای من افتاده، آیا چیزی درباره من نازل شده؟ فرمود: خیر، ولی به من دستور داده شده که آن را تبلیغ نکند؛ مگر خودم یا مردی که از من است؛ پس آن را به علی بن ابی طالب علیه السلام داد.

نام کتاب : معجم ابن الأعرابي نويسنده : ابن الأعرابي، أحمد بن بشر   جلد : ۳ صفحه : ۱۰۳۰

روايت سوم:

حدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، قثنا يَحْيَى بْنُ حَمَّادٍ، قثنا أَبُو عَوَانَةَ، قثنا -[۶۸۳]- أَبُو بَلْجٍ قثنا عَمْرُو بْنُ مَيْمُونٍ قَالَ: إِنِّي لَجَالِسٌ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ، إِذْ أَتَاهُ تِسْعَةُ رَهْطٍ قَالُوا: يَا أَبَا عَبَّاسٍ، إِمَّا أَنْ تَقُومَ مَعَنَا، وَإِمَّا أَنْ تَخْلُوَ بِنَا عَنْ هَؤُلَاءِ، قَالَ: فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: بَلْ أَنَا أَقُومُ مَعَكُمْ، قَالَ: وَهُوَ يَوْمَئِذٍ صَحِيحٌ قَبْلَ أَنْ يَعْمَى، قَالَ: فَابْتَدَءُوا فَتَحَدَّثُوا فَلَا نَدْرِي مَا قَالُوا، قَالَ: فَجَاءَ يَنْفُضُ ثَوْبَهُ

وَيَقُولُ: أُفٍّ وَتُفٍّ، §وَقَعُوا فِي رَجُلٍ لَهُ عَشْرٌ...قَالَ: ثُمَّ بَعَثَ فُلَانًا بِسُورَةِ التَّوْبَةِ فَبَعَثَ عَلِيًّا خَلْفَهُ فَأَخَذَهَا مِنْهُ، وَقَالَ: ☜لا يَذْهَبُ بِهَا إِلَّا رَجُلٌ مِنِّي، وَأَنَا مِنْهُ☞

عمرو بن میمون می گوید: با عبد اللَّه بن عباس نشسته بودم، افرادی که در نه گروه بودند نزد او آمدند و گفتند: یا برخیز و با ما بیا و یا شما ما را با ابن عباس تنها گذارید. این ماجرا زمانی بود که ابن عباس بینا بود و هنوز کور نشده بود. ابن عباس گفت: من با شما مي آيم [آنان به گوشه ای رفتند و] با ابن عباس مشغول گفت و گو شدند. من نمی فهمیدم چه می گویند. پس از مدتی عبد اللَّه بن عباس در حالی که لباسش را تکان می داد تا غبارش فروریزد آمد و گفت: اف و تف بر آنان، به مردی دشنام می دهند و از او عیب جویی می کنند که ده ویژگی برای اوست؛

ابن عباس گفت: رسول خدا صلی الله علیه وآله فلانی را برای خواندن سوره توبه فرستاد، سپس علی را به دنبال او فرستاد و سوره را از او گرفت و رسول خدا فرمود: ☜براي خواندن آن غير از کسی از من است و من از او هستم، کسی دیگری شایستگی ندارد.

📚نام کتاب : فضائل الصحابة نویسنده : أحمد بن حنبل جلد : ۲ صفحه : ۶۸۲

می بینید که احمد به جای کلمه ابوبکر از کلمه فلان استفاده کرده است که این خود خیانت در نقل و تحریف روایت است...

که این نشان‌دهنده صحت ماجراست ، لذا وقتی نتوانستند در اصل ماجرا خلل وارد کنند روی به تحریف آوردند.

البته اساس مکتب سقیفه این است 👇

☜قلْتُ: كَلاَمُ الأَقْرَانِ إِذَا تَبَرْهَنَ لَنَا أَنَّهُ بِهَوَىً وَعَصَبِيَّةٍ، لاَ يُلْتَفَتُ إِلَيْهِ، بَلْ يُطْوَى، وَلاَ يُرْوَى، كَمَا تَقَرَّرَ عَنِ الكَفِّ عَنْ كَثِيْرٍ مِمَّا شَجَرَ بَيْنَ الصَّحَابَةِ، وَقِتَالِهِم - رَضِيَ اللهُ عَنْهُم أَجْمَعِيْنَ - وَمَا زَالَ

يَمُرُّ بِنَا ذَلِكَ فِي الدَّوَاوِينِ، وَالكُتُبِ، وَالأَجْزَاءِ، وَلَكِنْ أَكْثَرُ ذَلِكَ مُنْقَطِعٌ، وضَعِيْفٌ، وَبَعْضُهُ كَذِبٌ، وَهَذَا فِيْمَا بِأَيْدِيْنَا وَبَيْنَ عُلَمَائِنَا، فَيَنْبَغِي طَيُّهُ وَإِخْفَاؤُهُ، بَلْ إِعْدَامُهُ، لِتَصْفُوَ القُلُوْبُ، وَتَتَوَفَّرَ عَلَى حُبِّ الصَّحَابَةِ، وَالتَّرَضِّي عَنْهُمْ، وَكُتْمَانُ ذَلِكَ مُتَعَيِّنٌ عَنِ العَامَّةِ...

سخن عالمان هم عصر (بر علیه یکدیگر) چنانچه برای ما روشن شود که از روی هوای نفس و تعصب بوده به مورد توجه قرار نمی گیرد ، بلکه به همان طور که مقرر شده باید از آن چشم پوشی کرده و روایت نکرد: باید از نقل بسیاری از مشاجرات و کشتارهایی که در میان صحابه اتفاق افتاده است چشم پوشی و خودداری کرد. همواره از این امور در دیوان ها، کتابها و جزوات به ما می رسد; لیکن بیشتر آنها منقطع و ضعیف و برخی دروغ هستند و این درباره اموری است که در دست ما و میان دانشمندان ماست. پس شایسته است که پرونده آنها بسته شود و این امور مخفی گردد، بلکه از میان برود تا دل ها برای دوستی صحابه و رضایتمندی از آنان صاف شده و آمادگی پیدا کند! و کتمان آن از عموم (مردم) تک تک اندیشمندان متعین است...

نام کتاب : سير أعلام النبلاء - ط الرسالة نويسنده : الذهبي، شمس الدين جلد : ۱۰ صفحه : ۹۳

روایت چهارم:

أخبرنَا الْعَبَّاس بن مُحَمَّد الدوري قَالَ حَدثنَا أَبُو نوح واسْمه عبد الرَّحْمَن بن غَزوَان قراد عَن يُونُس بن أبي إِسْحَاق عَن أبي إِسْحَاق عَن زيد بن يثيع عَن عَليّ أَن رَسُول الله صلى الله عَلَيْهِ وَسلم بعث بِبَرَاءَة إِلَى أهل مَكَّة مَعَ أبي بكر ثمَّ أتبعه بعلي فَقَالَ لَهُ ☜خذ الْكتاب فأمض بِهِ إِلَى أهل مَكَّة قَالَ فلحقته فَأخذت الْكتب مِنْهُ فأنصرف أَبُو بكر وَهُوَ كئيب فَقَالَ يَا رَسُول الله أنزل فِي شَيْء قَالَ لَا إِلَّا ☜إِنِّي أمرت أَن أبلغه أَنا أَو رجل من أهل بَيْتِي

رسول خدا (ص) ابوبکر را برای ابلاغ سوره برائت نزد اهل مکه فرستاد سپس علی را فرستاد و به او فرمود: ☜نوشته را از او بگیر و آن را به اهل مکه برسان علی گفت: به ابو بکر رسیدم و نوشته را

از او گرفتم. ابو بکر با اندوه بازگشت و گفت: ای رسول خدا، آیا در باره من چیزی نازل شده؟ حضرت فرمود: نه ☜ به من امر شده یا خودم یا مردی از اهل بیتم آن را ابلاغ کند.

📚نام کتاب : خصائص علي نويسنده : النسائي جلد : ١ صفحه : ٩٢

با وجود این روایات مبنی بر اسقاط ابوبکر از ابلاغ سوره برائت ، و مأمور شدن علی ع به انجام این کار ابن تیمیه در مقام مرجف می گوید ابوبکر سوره را ابلاغ کرد و علی (ع) رعیت او بوده است!!! ☟

ويَبْعَثُ أَبَا بَكْرٍ عَامَ تِسْعٍ فَنَادَى فِي الْمَوْسِمِ أَنْ لَا يَحُجَّ بَعْدَ الْعَامِ مُشْرِكٌ وَلَا يَطُوفَ بِالْبَيْتِ عريان وَنَبَذَ الْعُهُودَ الْمُطْلَقَةَ وَأَبْقَى الْمُؤَقَّتَةَ مَا دَامَ أَهْلُهَا مُوفِينَ بِالْعَهْدِ كَمَا أَمَرَ اللَّهُ بِذَلِكَ...

و ابوبکر در سال نهم فرستاده شد؛ پس در موسم فرياد مي زد: از امسال به بعد هيچ مشركی حج انجام ندهد، به طور عريان خانه خدا را طواف نكند، عهد های بی زمان، شكسته شده و عهدهای مدت دار تا زمانی که طرف معاهده به آن وفادار باشد، باقی مي ماند؛ همان طوری كه خداوند به آن دستور داده است...

📚نام کتاب : مجموع الفتاوى نويسنده : ابن تيمية جلد : ١٩ صفحه : ٢٠

❌ثمَّ أَمَّرَ أَبَا بَكْرٍ سَنَةَ تِسْعٍ لِلْحَجِّ، بَعْدَ رُجُوعِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - مِنْ غَزْوَةِ تَبُوكَ، وَفِيهَا أَمَرَ أَبَا بَكْرٍ بِالْمُنَادَاةِ فِي الْمَوْسِمِ: «أَنْ لَا يَحُجَّ بَعْدَ الْعَامِ مُشْرِكٌ، وَلَا يَطُوفَ بِالْبَيْتِ عُرْيَانٌ» ، وَلَمْ يُؤَمِّرِ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - غَيْرَ أَبِي بَكْرٍ عَلَى مِثْلِ هَذِهِ الْوِلَايَةِ، فَوَلَايَةُ أَبِي بَكْرٍ كَانَتْ مِنْ خَصَائِصِهِ ; فَإِنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - لَمْ يُؤَمِّرْ عَلَى الْحَجِّ أَحَدًا كَتَأْمِيرِ أَبِي بَكْرٍ، وَلَمْ يَسْتَخْلِفْ عَلَى الصَّلَاةِ أَحَدًا كَاسْتِخْلَافِ أَبِي بَكْرٍ، وَكَانَ عَلِيٌّ مِنْ رَعِيَّتِهِ فِي هَذِهِ الْحَجَّةِ، فَإِنَّهُ لَحِقَهُ فَقَالَ: أَمِيرٌ أَوْ مَأْمُورٌ؟ فَقَالَ عَلِيٌّ: بَلْ مَأْمُورٌ، وَكَانَ عَلِيٌّ يُصَلِّي خَلْفَ أَبِي بَكْرٍ مَعَ سَائِرِ الْمُسْلِمِينَ فِي هَذِهِ الْوِلَايَةِ، وَيَأْتَمِرُ لِأَمْرِهِ كَمَا يَأْتَمِرُ لَهُ سَائِرُ مَنْ مَعَهُ، وَنَادَى عَلِيٌّ مَعَ النَّاسِ فِي هَذِهِ الْحَجَّةِ بِأَمْرِ أَبِي بَكْرٍ.

❌سپس ابوبکر را در سال نهم بعد از بازگشت رسول خدا (ص) از جنگ تبوک امیر حج قرار داد و به او دستور دارد که در موسم فریاد بزند: «بعد از این هیچ مشرکی حج نکند، به صورت عریان طواف نکند» رسول خدا (ص) هیچ کس را همانند ابوبکر امیر قرار نداد و به او ولایت نداد؛ پس ولایت ابوبکر از ویژگی‌ها او است؛ زیرا پیامبر (ص) احدی را امیر قرار نداد؛ همانند امیر کردن ابوبکر، کسی را جانشین خودش در نماز قرار نداد؛ همانند جانشین قرار دادن ابوبکر،

👈👈👈علی در این حج رعیت ابوبکر بود!!👉👉👉؛ چرا که او به ابوبکر ملحق شد؛ پس ابوبکر سؤال کرد: تو امیر هستی یا مأمور؛ علی (ع) گفت: بلکه مأمور هستم. علی (ع) به همراه سایر مسلمانان پشت سر ابوبکر نماز می‌خواند، از اوامر او اطاعت می‌کرد؛ چنانچه سایر مسلمانان که همراه او بودند به اوامر او گوش می‌کردند؛ علی در این حج به همراه سایر مردم به دستور ابوبکر ندا می‌داد !!! (اعلام برائت می‌کرد)

📚نام کتاب : منهاج السنة النبوية نويسنده : ابن تيمية   جلد : ۵ صفحه : ۴۹۰

قرینه ای دیگر مبنی بر دروغگوئی ابن تیمیه:

انجام حج در آن سال برای مسلمین جائز نبوده است و مشرکین در آن سال در ماه ذی القعده حج برپا کردند و علی (ع) مأمور بود زمانی که آنان مشغول انجام حج اند سوره را ابلاغ کند:

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِّيُوَاطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زُيِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

بي ترديد به تأخير انداختن [حرمت ماهي به ماه ديگر] افزايشي در كفر است كافران را به سبب آن گمراه می كنند ، يك سال ماه حرام را حلال می شمارند و در ديگر سال آن را حرام می دانند تا با شماره ماه هايي كه خدا حرام كرده هماهنگ و مطابق سازند ولي آنچه را خدا حرام كرده از پيش خود حلال می كنند ; زشتي كارهايشان در نظرشان آراسته شده و خدا گروه كافران را هدايت نمی كند .(۳۷ توبه)

و اگر مسلمین در ان سال حج (به غیر از ذی الحجه) به جای اورده باشند همانند مشرکین عمل کردند و ☜زیادة فی الکفر☞...

لذا یا باید گفته شود☜ ابوبکر و مسلمین مانند کفار عمل کردند

یا اینکه☜ اصلا در ان سال مسلمین حجی به جای نیاوردند❗

جالب است که بیهقی وقتی به این قضیه می‌رسد، با تعجب فراوان سوال می‌کند که آیا ابوبکر عملی را که خداوند آن را کفر دانسته، مرتکب شده⁉

٩٧٧٧ - قَالَ: أَبُو عَبْدِاللهِ , حَدَّثَنَا بِهَذَا الْحَدِيثِ عَبْدُ الرَّزَّاقِ , ثنا مَعْمَرٌ , عَنِ ابْنِ أَبِي نَجِيحٍ , عَنْ مُجَاهِدٍ , قَالَ أَبُو عَبْدِالله: فَأَمَّا الزُّهْرِيُّ فَحُكِيَ عَنْهُ , قَالَ: أَخْبَرَنِي حُمَيْدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَنَّ أَبَا هُرَيْرَةَ , قَالَ: بَعَثَنِي أَبُوبَكْرٍ فِي تِلْكَ الْحَجَّةِ فِي مُؤَذِّنِينَ يَوْمَ النَّحْرِ نُؤَذِّنُ بِمِنًى § " أَنْ لَا يَحُجَّ بَعْدَ الْعَامِ مُشْرِكٌ وَلَا يَطُوفَ بِالْبَيْتِ عُرْيَانٌ " قَالَ أَبُو عَبْدِالله: حَدِيثُ الزُّهْرِيِّ إِسْنَادُهُ جَيِّدٌ , وَإِنَّمَا كَانَتْ حَجَّةُ أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فِي ذِي الْحِجَّةِ عَلَى مَا ذَكَرَ الزُّهْرِيُّ , قَالَ أَبُو عَبْدِالله: قَدْ نَزَلَتْ سُورَةُ بَرَاءَةَ قَبْلَ حَجَّةِ أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ , وَفِيهَا {إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ} [التوبة: ٣٧] , وَفِيهَا {إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا} [التوبة: ٣٦] ☜فهَلْ كَانَ يَجُوزُ أَنْ يَحُجَّ أَبُوبَكْرٍ عَلَى حَجِّ الْعَرَبِ وَقَدْ أَخْبَرَاللهُ أَنَّ فِعْلَهُمْ ذَلِكَ كَانَ كُفْرًا؟

ابوعبدالله (بیهقی) گفت: سوره برائت قبل از حج ابوبکر نازل شد و در این سوره آمده است که نسیء جابه جا کردن و تاخیر ماه‌های حرام، افزایشی در کفر مشرکان است و در این سوره آمده است: تعداد ماه‌ها از دیدگاه خداوند، دوازده ماه است پس ☜آیا جایز است که ابوبکر مراسم حج را بر مبنای حج عرب انجام داده باشد؟ و حال آن که خداوند خبر داده است که این کار آن‌ها کفر است؟

نام کتاب : السنن الکبری نویسنده : البيهقي، أبو بكر   جلد : ۵ صفحه : ۲۷۲

اگر دقت کنید در روایاتی که ارائه شد ابوبکر به علت عزل از امارت اندوهگین است!

فأنصرف أَبُو بكر وَهُوَ كئيب فَقَالَ يَا رَسُول الله أنزل فِي شَيْء...

قالَ: فَسَارَ بِهَا ثَلَاثًا، ثُمَّ قَالَ لِعَلِيٍّ: الْحَقْهُ، فَرُدَّ عَلَيَّ أَبَا بَكْرٍ وَبَلِّغْهَا. قَالَ: فَفَعَلَ. قَالَ: فَلَمَّا قَدِمَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَبُو بَكْرٍ بَكَى، وَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَحَدَثَ فِيَّ شَيْءٌ؟ ...

لذا اگر او امیر باقی مانده بود گریه او معنایی نداشت.

نکته قابل توجه دیگر بازگشت ابوبکر از میانه راه است که امیر بودن او را دچار تشکیک می کند

!!ابن کثیر در مقام دفاع ظاهر شده و گزافه ای می گوید مضحک!

او می گوید:

وَلَيْسَ الْمُرَادُ أَنَّ أَبَا بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ رَجَعَ مِنْ فَوْرِهِ بَلْ بَعْدَ قَضَائِهِ لِلْمَنَاسِكِ الَّتِي أَمَّرَهُ عَلَيْهَا رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

منظور این نیست که ابوبکر فورا برگشته باشد بلکه بعد از انجام مناسک که پیامبر (ص) او را امیر قرار داده بود بازگشته است.

نام کتاب : تفسير ابن كثير - ط العلمية نویسنده : ابن كثير   جلد : ۴ صفحه : ۹۳

این ادعا مستلزم این است که بپذیرند ابوبکر از فرمان پیامبر (ص) سرپیچی کرده است لذا در روایت خواندیم که ابوبکر مأمور بوده است باز گردد (و بازگشت و علت عزل خود را جویا شد).

💢البته عده ای روایاتی جعل کردند که پس از حنین پیامبر (ص) ابوبکر را مسؤل اعلام برائت از مشرکین قرار داد و... که دال بر دوام امارت ابوبکر حتی بعد از عزل است!

۱۴۶۹۴ - أَبُو بَكْرٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدَةُ بْنُ سُلَيْمَانَ، عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ، عَنْ أَبِيهِ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اعْتَمَرَ عَامَ الْفَتْحِ مِنَ الْجِعْرَانَةِ، فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ عُمْرَتِهِ، اسْتَخْلَفَ أَبَا بَكْرٍ عَلَى مَكَّةَ، وَأَمَرَهُ أَنْ يُعَلِّمَ النَّاسَ الْمَنَاسِكَ، وَأَنْ يُؤَذِّنَ فِي النَّاسِ: «§مَنْ حَجَّ الْعَامَ فَهُوَ آمِنٌ، وَلَا يَحُجُّ بَعْدَ الْعَامِ مُشْرِكٌ، وَلَا يَطُوفُ بِالْبَيْتِ عُرْيَانٌ»!!!!

از عروه نقل شده است که رسول خدا (ص) در سال فتح مکه، از منطقه جعرانه و به منظور عمره، احرام بست، وقتي از عمره فارغ شد، ابوبکر را جانشين خود در مکه قرار داد و به او دستور داد که مناسک را به مردم ياد دهد و در ميان مردم فرياد بزند:هر کس امسال حج کند، در امان است، بعد از اين سال هيچ مشرکی نبايد حج کند، هيچ عريانی نبايد طواف کند!!!!

📚نام كتاب : مصنف ابن أبي شيبة نويسنده : ابن أبي شيبة، أبو بكر   جلد : ۳ صفحه : ۳۳۱

خودشان به گزافه بودن این احادیث پی برده اند و اعتراف کردند در آن سال اصلا عتاب بن اسید امیر بر کل مکه بوده است:

وَهَذَا السِّيَاقُ فِيهِ غَرَابَةٌ مِنْ جِهَةِ أَنَّ👈 أَمِيرَ الْحَجِّ كَانَ سَنَةَ عُمْرَةِ الْجِعْرَانَةِ إِنَّمَا هُوَ عَتَّابُ بْنُ أُسَيْدٍ...

در این سیاق غرابتی است از این جهت که👈 امیر حاجیان در سالی که عمره جعرانه اتفاق افتاد، عتاب بن اسید بوده است.

📚نام كتاب : تفسير ابن كثير - ط العلمية نويسنده : ابن كثير   جلد : ۴ صفحه : ۹۲

و اگر پیامبر (ص) و مسلمین ان زمان حج به جای اورده باشند ، مستلزم این است که بدن عریان مشرکین را رؤیت کرده باشند:

فَلَوْ بَادَرَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى الْحَجِّ عَامَ تِسْعٍ لَأَدَّى ذَلِكَ إِلَى رُؤْيَتِهِ الْمُشْرِكِينَ يَطُوفُونَ بِالْبَيْتِ وَهُمْ عُرَاةٌ وَهُوَ لَا يُمْكِنُهُ أَنْ يَحْضُرَ ذَلِكَ

اگر رسول خدا (ص) در سال نهم حج مي كردند، منجر به دیدن مشرکانی می شد که در حال عریان خانه خدا را طواف می کردند و آن حضرت نمي توانست با چنین وضعیتی در آن جا حاضر شود.

📚نام كتاب : أضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن نويسنده : الشنقيطي، محمد الأمين   جلد : ۴ صفحه : ۳۴۱

با وجود این احادیث ، در صحیحین امده است که پدرگربه(ابوهریره) به دستور ابوبکر اعلام برائت از مشرکین کرده است!:

1622 - حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ بُكَيْرٍ، حَدَّثَنَا اللَّيْثُ، قَالَ يُونُسُ: قَالَ ابْنُ شِهَابٍ: حَدَّثَنِي حُمَيْدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، أَنَّ أَبَا هُرَيْرَةَ، أَخْبَرَهُ أَنَّ أَبَا بَكْرٍ الصِّدِّيقَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بَعَثَهُ فِي الحَجَّةِ الَّتِي أَمَّرَهُ عَلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَبْلَ حَجَّةِ الوَدَاعِ يَوْمَ النَّحْرِ فِي رَهْطٍ يُؤَذِّنُ فِي النَّاسِ «§أَلاَ لاَ يَحُجُّ بَعْدَ العَامِ مُشْرِكٌ، وَلاَ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ عُرْيَانٌ»

حمید بن عبد الرحمن به نقل از ابوهریره نقل کرده است که ابوبکر او را برای در ایام حج همان حجی که رسول خدا (ص) قبل از حجة الوداع او را امیر قرار داده بود ـ فرستاد که در روز قربانی همراه با گروهی فریاد بزنند: بعد از این سال هیچ مشرکی نباید حج کند و هیچ عریانی نباید دور خانه خدا طواف نماید.

نام کتاب : صحيح البخاري نويسنده : البخاري جلد : ۲ صفحه : ۱۵۳

نام کتاب : صحيح مسلم نويسنده : مسلم جلد : ۲ صفحه : ۹۸۲

! و یک لطف و عنایتی که آقایان اهل سنت کردند و واقعا منت گذاشتند و زحمت کشیدند این بوده که علی (ع) را نیز از زیر دستان ابوبکر در این ماجرا قرار دادند! :

حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ ، قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ أَخِي ابْنِ شِهَابٍ، عَنْ عَمِّهِ، قَالَ: أَخْبَرَنِي حُمَيْدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ، أَنَّ أَبَا هُرَيْرَةَ، قَالَ: بَعَثَنِي أَبُو بَكْرٍ فِي تِلْكَ الحَجَّةِ فِي مُؤَذِّنِينَ -[۸۳]- يَوْمَ النَّحْرِ، نُؤَذِّنُ بِمِنًى: أَنْ §لاَ يَحُجَّ بَعْدَ العَامِ مُشْرِكٌ وَلاَ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ عُرْيَانٌ " قَالَ حُمَيْدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ: ثُمَّ أَرْدَفَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِيًّا، فَأَمَرَهُ أَنْ يُؤَذِّنَ بِبَرَاءَةٌ، قَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ: فَأَذَّنَ مَعَنَا عَلِيٌّ فِي أَهْلِ مِنًى يَوْمَ النَّحْرِ: «لاَ يَحُجُّ بَعْدَ العَامِ مُشْرِكٌ وَلاَ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ عُرْيَانٌ»

حمید بن عبد الرحمن از ابوهریره نقل کرده است که ابوبکر مرا در این حج به همراه مؤذن ها فرستاد که در روز قربانی در منی فریاد بزنیم: «بعد از این سال هیچ مشرکی نباید حج کند، هیچ عریانی نباید طواف کند». حمید گوید: سپس رسول خدا (ص) علی را به دنبال آن ها فرستاد؛ پس به علی دستور داد تا اعلام برائت کند. ابوهریره گفت: علی به همراه ما در میان حاضران در مني در روز قربانی اعلام مي کرد که هیچ مشرکی...

نام کتاب : صحيح البخاري نويسنده : البخاري جلد : ۱ صفحه : ۸۲

صد البته اینکه ابوهریره از علی (ع) پیروی نکرده است (و به فرمان ابوبکر بوده) دال بر سرپیچی و تخلف او از پیامبر (ص) است، و یا بپذیرند ماجرا صحت ندارد و ابوبکر امیر نبوده است.

و در دیگر روایات وارد شده است که ابوهریره نیز اعلام برائت کرده اما زمانی که حضرت علی (ع) [مأمور اصلی ابلاغ برائت] خسته می‌شده:

3820 - أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ ، قَالَ: أَخْبَرَنَا جَرِيرٌ، عَنِ الْمُغِيرَةِ، عَنِ الشَّعْبِيِّ، عَنِ الْمُحَرَّرِ بْنِ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: ☜كُنْتُ مَعَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أُنَادِي بِالْمُشْرِكِينَ، فَكَانَ عَلِيٌّ إِذَا صَحِلَ صَوْتُهُ، أَوِ اشْتَكَى حَلْقُهُ، أَوْ عَيِيَ مِمَّا يُنَادِي نَادَيْتُ مَكَانَهُ، قَالَ: فَقُلْتُ لِأَبِي: أَيَّ شَيْءٍ كُنْتُمْ تَقُولُونَ؟، قَالَ: كُنَّا نَقُولُ: § «لَا يَحُجُّ بَعْدَ الْعَامِ مُشْرِكٌ»، ...

محرر بن أبی هريره از پدرش نقل مي کند که ☜من به همراه علی بن أبی طالب عليه السلام بودم و برای مشرکان سخن می گفتم، پس هر گاه علی صدايش مي گرفت يا از درد گلو شکايت می کرد، يا خسته می شد، من به جای او فرياد می زدم، سؤال کردم که چه چيزی را فرياد مي زديد؟ گفت: ما می گفتيم: بعد از اين مشرکان حق شرکت در مراسم حج را ندارند...

📚نام کتاب : صحیح ابن حبان - مخرجا نویسنده : ابن حبان   جلد : ۹ صفحه : ۱۲۸

قَالَ: وَحَدَّثَنِي ابْنُ أَبِي عَدِيٍّ، عَنْ شُعْبَةَ، عَنْ مُغِيرَةَ، عَنِ الشَّعْبِيِّ، عَنِ الْمُحَرَّرِ بْنِ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: كُنْتُ مُؤَذِّنَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حِينَ بَعَثَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِبَرَاءَةَ إِلَى أَهْلِ مَكَّةَ قَالَ: فَنَادَيْتُ حَتَّى صَحِلَ صَوْتِي، قَالَ: قُلْتُ بِمَ نَادَيْتَهُمْ ؟ قَالَ: نَادَيْتُهُمْ : أَنْ §لَا يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا نَفْسٌ مُؤْمِنَةٌ، وَلَا يَحُجَّ بَعْدَ الْعَامِ مُشْرِكٌ، وَلَا يَطُوفَ بِالْبَيْتِ عُرْيَانٌ، وَمَنْ كَانَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَهْدٌ فَأَجَلُهُ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ: فَإِذَا مَضَتِ الْأَرْبَعَةُ الْأَشْهُرُ فَإِنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ.

محرر بن أبوهريره از پدرش نقل كرده است كه من مؤذن على بن أبى طالب بودم، در آن هنگام كه رسول خدا (ص) او را براى اعلام برائت به سوي مردم مكه فرستاد. ابوهريره گفت: من فرياد مى زدم تا جائى كه صدايم مي گرفت. محرر گفت: سؤال كردم كه چه چيزى را فرياد مى زديد، گفت: ما فرياد مى زديم كه: غير از مؤمن كسى وارد بهشت نمي شود، بعد از اين سال هيچ مشركى نبايد حج كند، هيچ عريانى نبايد طواف كند، هر كس بين او و رسول خدا پيمانى است؛ سر رسيد آن تا چهارماه است، وقتى چهار ماه شد، پس خدا و رسولش از مشركان بيزارند.

نام كتاب : الأموال نويسنده : القاسم بن سلاّم، أبو عُبيد   جلد : ١ صفحه : ٢١٥

3275 - أَخْبَرَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَحْبُوبِيُّ، ثنا الْفَضْلُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ، ثنا النَّضْرُ بْنُ شُمَيْلٍ، أَنْبَأَ شُعْبَةُ، عَنْ سُلَيْمَانَ الشَّيْبَانِيِّ، عَنِ الشَّعْبِيِّ، عَنِ الْمُحَرَّرِ بْنِ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: كُنْتُ فِي الْبَعْثِ الَّذِينَ بَعَثَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَعَ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِبَرَاءَةَ إِلَى مَكَّةَ فَقَالَ لَهُ ابْنُهُ، أَوْ رَجُلٌ آخَرُ: فِيمَ كُنْتُمْ تُنَادُونَ؟ قَالَ: كُنَّا نَقُولُ: «§لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يَحُجَّ بَعْدَ الْعَامِ مُشْرِكٌ، وَلَا يَطُوفُ بِالْبَيْتِ عُرْيَانٌ، وَمَنْ كَانَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَهْدٌ، فَإِنَّ أَجَلَهُ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ فَنَادَيْتُ حَتَّى صَحِلَ صَوْتِي»

هذَا حَدِيثٌ صَحِيحُ الْإِسْنَادِ وَلَمْ يُخْرِجَاهُ

صحيح

محرر بن أبي هريره از پدرش نقل كرده است كه من با گروهى كه رسول خدا (ص) بودم كه رسول خدا به همراه على (ع) براى اعلام برائت به مكه فرستاده بود. پسرش يا مرد ديگرى سؤال كرد: چه چيزى را اعلام مى كرديد؟ گفت: ما مى گفتيم «هيچ كس جز مؤمن وارد بهشت نمي شود...» من اين مطالب را فرياد مى زدم تا اين كه صدايم مى گرفت.

نام كتاب : المستدرك على الصحيحين نويسنده : الحاكم، أبو عبد الله   جلد : ٢ صفحه : ٣٦١

وبَعَثَ أَبَا بَكْرٍ- رَضِيَ اللهُ عَنْهُ- بِسُورَةِ بَرَاءَةٌ لِيَنْبِذَ إلَى كُلّ ذِي عَهْدٍ عَهْدَهُ مِنْ الْمُشْرِكِينَ إلّا بَعْضَ بَنِي بَكْرٍ الّذِينَ كَانَ لَهُمْ عَهْدٌ إلَى أَجَلٍ خَاصّ، ☜ثمّ أَرْدَفَ بِعَلِيّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، فَرَجَعَ أَبُو بَكْرٍ لِلنّبِيّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، وَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ هَلْ أُنْزِلَ فِيّ قُرْآنٌ؟ قَالَ: لَا، وَلَكِنْ أَرَدْت أَنْ يُبَلّغَ عَنّي مَنْ هُوَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، ☜قال أَبُو هُرَيْرَةَ: فَأَمَرَنِي عَلِيّ- رَضِيَ اللهُ عَنْهُ- أَنْ أَطُوفَ فِي الْمَنَازِلِ مِنْ مِنًى بِبَرَاءَةٌ، فَكُنْت أَصِيحُ حَتّى صَحِلَ حَلْقِي، فَقِيلَ لَهُ: بِمَ كُنْت تُنَادِي؟ فَقَالَ: بِأَرْبَعٍ: أَلّا يَدْخُلَ الْجَنّةَ إلّا مُؤْمِنٌ...

رسول خدا (ص) ابوبکر را به همراه سوره برائت فرستاد تا هر مشرکی که با آن حضرت پیمانی دارد، پیمانش را بشکند؛ مگر بعضی از بنی بکر را که تا زمان مشخصی پیمان داشتند. ☜سپس علی (علیه السلام) را به دنبال او فرستاد، ابوبکر پیش پیامبر برگشت و گفت: ای رسول خدا! آیا در باره من قرآنی نازل شده است؟ فرمود: خیر؛ ولی خواستم که آن را فردی که از اهل بیت من است، تبلیغ کند. ☜ابوهریره گفت: پس علی به من دستور داد که در منازلی از منی بگردم و اعلام برائت کنم ، من فریاد می زدم تا گلویم می گرفت. گفته شده که چه چیزی را اعلام می کردید؟ گفت: چهار چیز را...

نام کتاب : الروض الأنف - ت الوكيل نويسنده : السهيلي جلد : ۷ صفحه : ۳۷۴

ابن حجر نیز این چنین می نویسد:

قَالَ حميد بن عبد الرَّحْمَن ثمَّ أرْدف رَسُول الله صلى الله عَلَيْهِ وَسلم عَليّ بن أبي طَالب فَأمره أَن يُؤذن بِبَرَاءَة قَالَ أَبُو هُرَيْرَة فَأذن مَعنا عَليّ يَوْم النَّحْر فِي أهل منى بِبَرَاءَة أَن لَا يحجّ بعد الْعَام مُشْرك وَلَا يطوف بِالْبَيْتِ عُرْيَان فَتَأَمّله تَجِد عليا إِنَّمَا أذن مَعَ مؤذني أبي بكر وَمِمَّا يُصَرح بِمَا ذَكرْنَاهُ أَن أَبَا بكر لما جَاءَ عَليّ لم يعْزل مؤذنيه فَعدم عَزله لَهُ وَجعله إيَّاهُم شُرَكَاء لعَلي صَرِيح فِي أَن عليا إِنَّمَا جَاءَ وَفَاء بعادة الْعَرَب الَّتِي قلناها لَا لعزل أبي بكر وَإِلَّا لم يسع أَبَا بكر أَن يبقي مؤذنيه

يُؤذنُونَ مَعَ عَليّ فاتضح بذلك مَا قُلْنَاهُ وَأَنه لَا دلَالَة لَهُم فِي ذَلِك بِوَجْه من الْوُجُوه غير مَا يفترونه من الْكَذِب وينتحلونه من العناد وَالْجهل.

حميد بن عبد الرحمن گفت: سپس رسول خدا (ص) على (ع) را به دنبال ما فرستاد و به او دستور داد كه اعلام برائت كند. ابوهريره گفت: پس على (ع) به همراه ما در روز قربانى در ميان مردم منى اعلام برائت مي كرد و گفت: بعد از اين هيچ مشركى نبايد حج كند، هيچ عريانى نبايد طواف كند. نكته قابل توجه اين است كه على به همراه مؤذنان ابوبكر اعلام برائت مى كرده است.

از چيزهايى كه تصريح مي كند به آن چه كه ما گفتيم، اين است كه وقتى على (ع) آمد، ابوبكر مؤذنان خود را عزل نكرد؛ پس عدم عزل او و شريك قرار دادن آن ها را براى على (ع)، صريح در اين است كه على (ع) آمده بوده تا به عادت عرب وفا كند نه براى عزل ابوبكر. و الا جايز نبود كه ابوبكر مؤذنان خود را بگذارد كه به همراه على (ع) اعلام برائت كند. پس با اين مسأله روشن مى شود آن چه را كه ما گفتيم. و اين مسأله به هيچ وجه به نفع شيعه دلالتى ندارد؛ غير از اين كه افتراء و دروغى كه از عناد و جهل آن ها سرچشمه مى گيرد.

نام كتاب : الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة نويسنده : الهيتمي، ابن حجر جلد : ۱ صفحه : ۸۳

1.طبق روايات مذكور ثابت كرديم على (ع) خود مأمور ابلاغ بوده و ابوبكر عزل شده است و اگر ابوبكر مؤذنان خود را عزل نكرده باشد با فرمان رسول الله (ص) مخالفت كرده است.

2.ناراحتى ابوبكر نيز دال بر مدعاى ماست.

3.در روايتى اورديم كه ابوهريره از على (ع) پيروى مى كرده نه اينكه مؤذن ابوبكر باشد.

ابن تیمیه و برخی دیگر از علمای اهل سنت ادعا کرده اند که ارسال علی (ع) به علت قرابت و فامیلی ایشان با پیامبر (ص) است و خواسته اند این فضیلت را زیر سؤال ببرند:

قالُوا: وَكَانَ مِنْ عَادَةِ الْعَرَبِ أَنْ لَا يَعْقِدَ الْعُهُودَ وَلَا يَفْسَخُهَا إِلَّا الْمُطَاعُ، أَوْ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ.
☜فَبَعَثَ عَلِيًّا لِأَجْلِ فَسْخِ الْعُهُودِ الَّتِي كَانَتْ مَعَ الْمُشْرِكِينَ خَاصَّةً، لَمْ يَبْعَثْهُ لِشَيْءٍ آخَرَ

گفته اند: از عادت عرب این بوده است، که عقدی را نبندند و آن را فسخ نکند؛ مگر خود شخص و یا مردی از خانواده او؛ ☜پس رسول خدا (ص) علی (ع) را تنها برای فسخ عهدهای که با مشرکان داشت، فرستاد نه برای کار دیگر.

نام کتاب : منهاج السنة النبوية نويسنده : ابن تيمية   جلد : ۵ صفحه : ۴۹۳

پاسخ:

1.پیامبر (ص)علت ارسال علی(ع) را این چنین بیان می کند:

"لَا يُبَلِّغَ إِلَّا أَنَا أَوْ رَجُلٌ مِنِّي"

"لَا يَبْلُغَهَا إِلَّا أَنَا أَوْ رَجُلٌ مِنِّي"

"لَا يَذْهَبُ بِهَا إِلَّا رَجُلٌ مِنِّي، وَأَنَا مِنْهُ"

2.هدف نقض پیمان نبوده است ، زیرا قرآن حکیم می فرماید:

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدتُّم مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

مگر كساني از مشركان كه با آنان پيمان بستيد ، سپس چيزي نسبت به شما نكاستند و احدي بر ضد شما ياري نكردند ، پس به پيمانشان تا پايان مدتشان وفادار باشيد ; زيرا خدا پرهيزكاران را دوست دارد .(توبه۴)

3.خود ابن تیمیه در همان کتاب جواب خود را می دهد:

وَقَالَ الْخَطَّابِيُّ فِي كِتَابِ شِعَارِ الدِّينِ : وَقَوْلُهُ: «لَا يُؤَدِّي عَنِّي إِلَّا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي» . هُوَ شَيْءٌ جَاءَ بِهِ أَهْلُ الْكُوفَةِ عَنْ زَيْدِ بْنِ يَثِيعَ ، وَهُوَ مُتَّهَمٌ فِي الرِّوَايَةِ مَنْسُوبٌ إِلَى الرَّفْضِ. وَعَامَّةُ [٦] مَنْ بَلَّغَ عَنْهُ غَيْرُ أَهْلِ بَيْتِهِ، فَقَدْ بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَسْعَدَ بْنَ زُرَارَةَ إِلَى الْمَدِينَةِ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ وَيُعَلِّمُ الْأَنْصَارَ الْقُرْآنَ وَيُفَقِّهُهُمْ فِي الدِّينِ. وَبَعَثَ الْعَلَاءَ بْنَ الْحَضْرَمِيِّ إِلَى الْبَحْرَيْنِ فِي مِثْلِ ذَلِكَ، وَبَعَثَ مُعَاذًا وَأَبَا مُوسَى إِلَى الْيَمَنِ، وَبَعَثَ عَتَّابَ بْنَ أَسِيدٍ إِلَى مَكَّةَ. فَأَيْنَ قَوْلُ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ لَا يُبَلِّغُ عَنْهُ إِلَّا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ؟ .

💢خطابی در کتاب شعار الدین گفته است: اما این سخن رسول خدا (ص) که " از من ادا نمی کند؛ مگر مردی از اهل بیت من ز این مطلبی است که آن را اهل کوفه از زید بن یثیع نقل کرده اند، او در نقل روایت متهم و به رافضی بودن منتسب است.👈تمام آن چه که از طرف آن حضرت ابلاغ شده، توسط غیر اهل بیت او بوده👉؛ پس رسول خدا (ص) اسعد بن زراره را به مدینه فرستاد تا مردم را به سوی اسلام دعوت کند و به انصار قرآن بیاموزد و دین را به آن ها یاد دهد، علاء بن حضرمی را به سوی مردم بحرین فرستاد برای همین کار. معاذ و ابوموسی را به سوي یمن فرستاد، عتاب بن أسید را به سوی مردم مکه فرستاد؛ پس کجاست شاهد کسانی که می گویند: تبلیغ نکند از جانب آن حضرت مگر مردی از اهل بیت او؟

📚نام کتاب : منهاج السنة النبوية نويسنده : ابن تيمية جلد : ۵ صفحه : ۶۳

ابن تیمیه پس از این همه تناقض بار دیگر خودزنی کرده و گفته ابوبکر امیر و مأمور ابلاغ بوده است:

وَمِثْلَ إِرْسَالِهِ أَبَا بَكْرٍ أَمِيرًا عَلَى الْحَجِّ سَنَةَ تِسْعٍ، وَنَبْذِهِ الْعُهُودَ، وَمُنَادَاتِهِ أَنْ «لَا يَحُجَّ بَعْدَ الْعَامِ مُشْرِكٌ، وَلَا يَطُوفَ بِالْبَيْتِ عُرْيَانٌ»

و مانند ارسال ابوبکر به عنوان امیر بر حج در سال نهم و شکستن پیمان ها و اعلام این مطلب که بعد از امسال هیچ مشرکی نباید حج کند و هیچ عریانی نباید طواف کند.

📚نام کتاب : الجواب الصحيح لمن بدل دين المسيح نویسنده : ابن تيمية جلد : ۶ صفحه : ۳۶۷

👈اول گفت که ارسال علی (ع) به علت قرابت و فامیلی است که در عرب رایج بوده است

👈بعد گفت که اصلا هر چه ابلاغ شده از سوی حضرت ، از غیر از اهل بیت ایشان بوده است.

👈بعد گفت ابوبکر مأمور ابلاغ بوده است !!! (مگر ابوبکر اهل بیت حضرت بوده است؟)

✅الحمدلله ثابت شد که ابلاغ آیات برائت توسط مولی الموحدین علی بن ابی طالب علیه السلام انجام شده و ابوبکر در ابلاغ آن نقشی نداشته و شایستگی و لیاقت ابلاغ را نداشته.

✅همچنین ثابت شد ابوبکر از پیامبر نبوده و این مقام خاص حضرت علی(ع) است و امثال ابن تیمیه نتوانسته اند با دروغ و تحریف این فضیلت حضرت را زیر سوال ببرند

يرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ.

می‌خواهند که نور خدا را با دهانشان (به نَفَس تیره و گفتار جاهلانه خود) خاموش کنند و خدا نگذارد تا آنکه نور خود را در منتهای ظهور و حد اعلای کمال برساند هر چند کافران ناراضی و مخالف باشند.

#تمام


@Avardgahe_andisheha